



Analyzing the Issue of Consultation with Women from the Perspective of the Qur'an and the Two Testaments

Mohsen Ameri Khairabadi¹ , Mehdi Ebadi²

ABSTRACT

One of the necessities of life is communicating and consulting with others to benefit from their thoughts and knowledge; because without communication and consultation with others, it will be difficult and impossible to continue living. The Holy Qur'an also recommends and rather orders to consulting with others. There are traditions whose content apparently points to the lack of women's intellect and warns against consulting with women. As a result, it derogatorily interprets women as lower than men; Therefore, women cannot be consulted with this approach.

The author of the article solves this problem by using the verses of the Holy Quran and the Two Testaments. The findings of the research show that there is no problem in consulting with some women who have proven their wisdom. A follow-up in the Holy Qur'an shows that there are two types of verses about consultation: one in general way, that includes everyone (men and women) and the other in a specific way that only includes women. Also, in the Old Testament, consultation with women is being observed during the salvation of Prophet Moses (peace be upon him), but the New Testament is silent on this issue and does not have any explicit verses related to this issue. However, it is possible to extract the topic of consultation with women from some verses.

KEYWORDS: Consultation, Consultation in the Qur'an, Consultation in the Two Testaments, Quran and Two Testaments, Consultation with Women

1- Third-level Seminary Student, Qur'an Interpretation and Science, Mashhad Seminary, Iran (corresponding author), mqekh9411110082@gmail.com

2- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Medical Sciences, Shahrood, Iran, ebadi@shmu.ac.ir



واکاوی مسئله مشورت با زنان از منظر قرآن و عهدین

محسن عامری خیرآبادی^۱

مهدی عبادی^۲

چکیده

برقراری ارتباط و مشورت با دیگران برای بهره گرفتن از اندیشه و دانش آنان یکی از لوازم زندگی است؛ زیرا بدون ارتباط و مشورت با دیگران، ادامه زندگی سخت و غیرممکن خواهد شد. قرآن کریم نیز مشورت با دیگران را پسندیده و حتی به انجام آن دستور داده است. روایات وجود دارند که مضمون آن‌ها به ظاهر بر نقصان عقل زنان اشاره دارد و از مشورت با زنان بر حذر داشته است. بدین ترتیب، به نوعی تحقیرآمیز زنان را پایین تر از مردان تعبیر می‌کند؛ پس با چنین مطالبی نمی‌توان با زنان مشورت کرد. نویسنده مقاله این مسئله را با استفاده از آیات قرآن کریم و عهدین حل می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مشورت با برخی زنان که کمال عقل خود را به اثبات رسانیده‌اند، اشکال ندارد. تنوع در قرآن کریم نشان می‌دهد که دو نوع آیات درباره مشورت وجود دارد: یکی به صورت عام که شامل همگان (مردان و زنان) می‌شود و دیگری به صورت خاص که تنها شامل زنان است. هم‌چنین در عهد عتیق، در جریان نجات حضرت موسی علیه‌السلام مشورت با زنان به چشم می‌خورد، ولی عهد جدید در مورد این مسئله، ساکت است و هیچ آیه صریحی مربوط به این موضوع ندارد؛ اما می‌توان از آیاتی موضوع مشورت با زنان را استخراج کرد.

واژگان کلیدی: مشورت، مشورت در قرآن، مشورت در عهدین، قرآن و

عهدین، مشورت با زنان

۱- دانشجوی سطح ۳، تفسیر و علوم قرآن، حوزه علمیه مشهد، ایران (نویسنده مسئول)، mqekh9411110082@gmail.com

۲- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی، شاهرود، ایران، ebadi@shmu.ac.ir



مقدمه

مشاوره در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چنانکه در قرآن کریم نیز در آیاتی، مسئله مشاوره مطرح و به انجام آن دستور داده شده است. (شوری: ۳۸؛ آل عمران: ۱۵۹) هم چنین سیره عملی و گفتاری انبیا و ائمه معصومان (علیهم السلام) به این امر مهم، تشویق و ترغیب می کند؛ چنانکه پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و اله وسلم) در امور عمومی مسلمانان که جنبه اجرای قوانین الهی داشت (نه قانون گذاری) جلسه مشاوره تشکیل می داد. در عهدین نیز درباره مشورت و اهمیت آن چنین آورده شده است: «مشورت‌ها از عدم شور پریشان می شود، اما از کثرت مشاوران ثابت می ماند» (امثال سلیمان، ۱۵: ۲۲) مؤلف در این نگارش به بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی مشورت، معرفی اجمالی در مورد کتاب مقدس و عهدین پرداخته و سپس سعی کرده به صورت اجمالی به بیان آیاتی از منظر قرآن و عهدین درباره مشورت با زنان بپردازد. درباره اهمیت و اصل مشورت، کتاب و مقالاتی نگاشته شده است مانند: الف) کتاب: ۱- «زن، عقل، ایمان، مشورت» تألیف کبری خزعلی، سیمیندخت بهزاد پور و زهرا آیت‌اللهی، ۱۳۸۰ ب) مقاله: ۱- «بررسی شخصیت اجتماعی زن در قرآن کریم» نوشته حبیب مظاهری، ۱۳۹۷-۲ «جایگاه مشورت با زن در قرآن» اثر طاهره کمالی، ۱۳۸۱؛ و لکن این تحقیق به روش توصیفی- تحلیلی به مشورت با زنان از منظر قرآن و عهدین می پردازد که در موارد مذکور مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین سؤالی که این نوشتار در پی پاسخ به آن است از قرار ذیل است: مشورت با زنان از منظر قرآن و عهدین چگونه است؟

۱- مفهوم شناسی

۱-۱. مشورت در لغت و اصطلاح

مشورت در لغت از ماده «ش و ر» گرفته شده (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۱۱: ۲۷۷؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ۷: ۳۷۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۴: ۴۳۴؛ طریحی، ۱۳۷۵ق، ۳: ۳۵۴)، اما بعضی از لغویان قائلند که این کلمه از ماده «ش ی ر» گرفته شده است (همان).

مشورت از ماده «ش و ر» است که در لغت به معنای برداشتن و استخراج عسل از کندوی زنبور عسل است (قرشی، ۱۳۷۱ق، ۴: ۸۸). مشوره، مشاوره و مشاور استخراج رأی است. در مجمع آمده است: مشورت استخراج رأی از مستشار است؛ زیرا از او اخذ می شود (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ۸: ۱۱۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۱۳۴؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۷: ۶۱؛ جوهری،

۱۳۷۶ق، ۲: ۷۰۴) یا زمانی که عرب می گوید: «شرت العسل»؛ یعنی من غسل را از کندویش استخراج کردم (ابن منظور، ۱۴۱۴م، ۴: ۴۳۴) و یا به معنای جمع آوری آرا است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۳۰۶؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ۶: ۲۳۴۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۲: ۴۷۲)

مشورت در اصطلاح به معنای این است که آدمی در مواقعی که خودش درباره کاری رأی صحیح ندارد، به دیگری مراجعه کند و از او رأی صحیح بخواهد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۸: ۶۳؛ مظاهری، ۱۳۹۰ق: ۱۷۵) و یا عبارت از ضمیمه و محکم کردن رأی خود با رأی دیگران است (خزعلی، بهزاد پور و آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۲۶۵) و یا گفت‌وگو پیرامون موضوعی تا حق ظاهر شود (همان؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۹: ۵۰؛ حایری طهرانی، ۱۳۳۸ق، ۱۰: ۳۰؛ جزایری، ۱۳۸۸، ۴: ۴۰۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ۶: ۲۲۸؛ کاشانی، بی‌تا: ۲۲۸/۸)

۲-۱. معرفی کتاب مقدس و عهدین

کتاب مقدس، عنوان مجموعه‌ای از نوشته‌های کوچک و بزرگ است که مسیحیان همه و یهودیان بخشی از آن‌ها (عهد قدیم) را «کتاب آسمانی و الهی» خود می‌دانند. این کتاب به دو بخش عهد قدیم و عهد جدید تقسیم می‌شود که شامل ۶۶ کتاب معتبر است. عهد قدیم از ۳۹ کتاب (به اعتقاد دو فرقه مسیحی دیگر کاتولیک و ارتدکس، مشتمل بر ۴۶ کتاب است) و عهد جدید از ۲۷ کتاب تشکیل شده است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴: ۵-۳۳؛ سلیمانی اردستانی، ۱: ۱۳۷۸-۴۴-۱۵۶).

۲-مشورت با زنان از منظر قرآن

در قرآن کریم به مسئله مشورت با زنان عنایت خاصی شده است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد:

۲-۱. مشورت به‌طور عام

آیاتی مربوط به مشورت، عام است و مشورت با همگان را دربرمی‌گیرد؛ از جمله: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (شوری: ۳۸). علامه طباطبایی مفسر شیعی ذیل این آیه چنین بیان می‌کند: «وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ». کلمه «شوری» در این آیه به معنای امری است که درباره‌اش مشاوره شود؛ پس معنای آیه چنین می‌شود: مؤمنان آن‌هایی هستند که هر کاری می‌خواهند بکنند، پیشان شورایی می‌شود که پیرامونشان مشورت می‌کنند و برخی می‌گویند که کلمه «شوری» مصدر است که از نظر آنان

معنا چنین می‌شود: کار مؤمنان، مشاورت در بین خودشان است؛ به هر حال، این جمله اشاره‌ای به این است که مؤمنان اهل رشد هستند، در استخراج رأی صحیح دقت می‌کنند و به خاطر اینکه رأی صحیح داشته باشند به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند.» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۸: ۶۳)

ب) «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّانْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹).

«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» خداوند در اینجا دستور می‌دهد که در کارها با مسلمانان مشورت کن و نظر آن‌ها را بخواه. گر چه کلمه «الامر» در «شاورهم في الأمر» مفهوم وسیعی دارد و همه کارها را شامل می‌شود، ولی مسلم است که پیامبر (صلی الله علیه واله و سلم) هرگز در احکام الهی با مردم مشورت نمی‌کرد، بلکه در آن‌ها تنها تابع وحی بود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ۱۴۰: ۹). بنابراین مورد مشورت، پیامبر (صلی الله علیه واله و سلم) در امور عمومی مسلمانان که جنبه اجرای قوانین الهی داشت (نه در قانون‌گذاری و حلال و حرام خدا) جلسه مشاوره تشکیل می‌داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳: ۱۴۲-۱۴۳ و ۲۰: ۴۶۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۶: ۵۲۹؛ صاوی، ۱۴۲۷ق: ۳: ۴۳۴).

۲-۲. مشورت به طور خاص

آیاتی که به‌طور خاص به مشورت با زنان اشاره کرده است:

الف) طبق آیه «فَإِن أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بقره: ۲۳۳)، مسئله شیر دادن یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در خانواده ارتباط زیادی با زن دارد و این گونه نیست که مرد به تنهایی بتواند تصمیم بگیرد و اگر مرد بخواهد بدون توجه به نظرهای همسرش تصمیم بگیرد، مشکلاتی به وجود می‌آید (بی‌ریا، ۱۳۷۱)؛ به همین دلیل خداوند به پدر و مادر دستور مشاوره داده که آنچه صلاح فرزند در آن است را رعایت نمایند که در اینجا خداوند زن را به‌عنوان یکی از طرف‌های مشورت معرفی کرده است. در واقع زن و شوهر باید در امور نوزاد مشورت کنند و مصالح فرزند را در نظر بگیرند، به خاطر این که مبدا مصالح کودک پایمال شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ق، ۲: ۱۸۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۲: ۲۴۱؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۱: ۳۶۵)؛ پس می‌توان گفت در آیه ۲۳۳ سوره بقره از مشورت زن و شوهر در امور خانوادگی سخن به میان می‌آورد (شیرازی، ۱۳۹۸: ۹۴).

ب) طبق «... وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ فَأَنَّفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمِّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» (طلاق: ۶)، جمله «واتمروا» از ماده «ایتمار» گاه به معنی «پذیرا شدن دستور» و گاه به معنی «مشاوره» می‌آید و در این جا معنی دوم مناسب‌تر

است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۴: ۲۴۸). این آیه به مسئله حفظ حقوق و حریم زن، حمل او، تغذیه کودک، شیربها و دایه گرفتن در صورت طلاق اشاره دارد (قرائتی، ۱۳۸۸، ۱۰: ۱۱۰). پس در نتیجه این آیه خطاب به زن و مرد است که درباره شیر دادن به طور متعارف مشورت کنند تا مرد در اثر کثرت اجرت و زن در اثر نقص آن و بچه در اثر کم شدن مدت رضاع متضرر نشوند (قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ۱۱: ۲۱۵؛ مغنیه، ۱۴۲۵ق، ۱: ۷۴۹).

ج) «وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ» (قصص: ۱۲). حضرت موسی (علیه السلام) شیر هیچ دایه‌ای را نخورد. وقتی خواهر موسی چنین وضعی را دید گفت: آیا می‌خواهید از خانواده محترمی برای او دایه‌ای بیاورم که او را خوب پرستاری کند؟ آن‌ها (فرعون) این راهنمایی را پذیرفتند. پس از این آیه درمی‌یابیم که مشورت با زنان اشکالی ندارد (مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۷۹؛ خسروانی، ۱۳۹۰، ۶: ۳۵۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۶: ۱۳؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق، ۲۰: ۶۶؛ قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ۸: ۱۷؛ حجازی، ۱۴۱۳ق، ۲: ۸۱۹؛ سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴: ۹۶-۹۷).

د) «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه: ۷۱). هرگاه در امور گوناگون زندگی، نظر مشورتی زنان، امر به معروف یا نهی از منکر را در برداشت، پیروی از رأی آنان بر مردان واجب است (خزعلی، بهزاد پور و آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۲۶۹؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۳: ۴۶۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۹: ۳۳۸).

۳- شبهه نقص عقل

شبهه) با توجه به مطالب فوق (در قرآن کریم)، دانسته می‌شود که مشورت با زنان اشکالی ندارد، اما در فرهنگ اسلام روایاتی آمده است که بر نقصان عقل و عدم مشورت با زنان دلالت می‌کند؛ از جمله حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «از مشورت با زنان پرهیزید، چرا که رأی آنان زود سست می‌شود و تصمیم آنان ناپایدار است.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱) و روایتی هم در این مضمون وارد شده است (نهج البلاغه، خطبه ۸۰) یا روایت «شَاوِرُوا النِّسَاءَ وَخَالَفُوهُنَّ فَإِنَّ خِلَافَهُنَّ بَرَكَةٌ»؛ با زنان مشورت کرده و خلاف آن عمل کنید که در مخالفت کردن با زنان برکت وجود دارد (مجلسی، ۱۹۸۳م، ۱۰۰: ۲۶۲). امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ فِيهِنَّ الضَّعْفَ وَالْوَهْنَ وَالْعَجْزَ.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۵۱۷) و «وَقَدْ رَوَى الصَّادِقُ عَ إِيَّاكُمْ وَمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ فِيهِنَّ الضَّعْفَ وَالْوَهْنَ وَالْعَجْزَ»؛ از مشورت با

زنان پرهیزید که در آنها ضعف و سستی و ناتوانی است (مجلسی، ۱۹۸۳م، ۸۸: ۲۵۵) یا روایت «معاشر النساء خلقتن ناقصات العقول...»: ای زنان شما ناقص‌العقل آفریده شده‌اید... (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۳۳۵؛ حسن بن علی (علیه‌السلام)، ۱۴۰۹ق: ۶۷۵) و... پس می‌توان نتیجه گرفت که تعارضی بین روایات و آیات قرآن کریم است. این تعارض را به چه شکل حل می‌شود؟! آیا واقعاً زنان ناقص‌العقل هستند؟!

جواب) در روایاتی که از مشورت با زنان نهی شده است. قرینه‌ای وجود دارد که روشنگر آن است که با کدام گروه از زنان نباید مشورت کرد؛ از جمله: «تو را از مشورت با زنان بر حذر می‌دارم، مگر آن زمانی که انسان‌های کاملی باشند؛ زیرا رأی آنان به ضعف و اراده آنها به سستی گرایش دارد.» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) مطابق این روایت، از مشورت با زنان سست اراده نهی شده است نه تمام زنان (خزعلی، بهزاد پور و آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۲۹۲)؛ اما در جواب اشکالی به کلام امام علی (علیه‌السلام) در مورد بی‌عقلی زن (در فرض صحّت) باید گفت که سخن ایشان در مورد شخص خاصی بوده است (ناظر به برخی از زنان فتنه‌انگیز و بعضی از شارحان این خطاب را منحصر به عایشه کرده‌اند) و نمی‌توان این حکم را به همه زنان سرایت داد (مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۸۱). علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن در این باره می‌فرماید: «آن عقلی که در مرد بیش از زن است، یک فضیلت زایده است نه معیار فضل» (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۲۶۹)؛ چون عقل به صورت اشتراک بر معانی گوناگونی اطلاق می‌شود، بنابراین باید روشن شود کدام عقل است که زن و مرد در آن با یکدیگر اختلاف دارند (آیت‌اللهی، ۱۳۷۹: ۸۱)؛ چنانکه حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «عقل دو نوع است: عقل طبیعی فرد و عقل تجربه‌». با توجه به این روایت فهمیده می‌شود که روایاتی نقص عقل زنان را گفته است، مراد ضعف عقل تجربه‌زن باشد (همان: ۸۲). مضمون روایت حضرت علی (علیه‌السلام) درباره این است که مسائل پیچیده را نباید با زنان مشورت کرد؛ چراکه رأی آنان در پیچیدگی‌ها از ضمانت صحّت بالایی برخوردار نیست (حسین زاده، ۱۳۹۱: ۶۷). به همین دلیل، قرآن کریم در مسائلی که پیچیدگی خاصی ندارند و زنان در اظهار نظر سهمی دارند، به مردان توصیه کرده است که کار را با مشورت زنان انجام دهند: «وقتی پدر و مادر می‌خواهند بچه را از شیر خوردن بازگیرند، چنانچه با رضایت و مشورت باشد، بی‌اشکال است» (بقره: ۲۳۳)؛ همچنین در مواردی خاص که زنان از پختگی و تجربه خوب برخوردارند، می‌توان با زنان مشورت کرد؛ چراکه نهی از مشورت عمومی و غالبی است و می‌توان برای آن مواردی استثنایی پیدا کرد. پس در مواردی که به تصمیم‌گیری در کارهای مهم روی می‌آوریم، نباید تصمیمات پایدار و رأیی

قوی را از زنان انتظار داشته باشیم (همان: ۶۷-۶۸).

روایاتی که در زمینه نقصان عقل زنان در کتب روایی شیعه و سنی آمده است، همه این احادیث مرسل یا مرفوع هستند. احادیث مرسل یا مرفوع به روایاتی اطلاق می‌شود که تمام یا برخی از روایان آن تا امام معصوم (علیه‌السلام) نامشخص باشند؛ بنابراین فاقد اعتبار لازم هستند؛ زیرا مشخص نیست که روایان حدیث، افرادی موثق و مورد اطمینان بوده‌اند یا کذاب (خزعلی، بهزادپور و آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۲۰۰ - ۲۰۴). به‌عنوان نمونه روایت «إِيَّاكُمْ وَمُشَاوِرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ فِيهِنَّ الضَّعْفَ وَالْوَهْنَ وَالْعَجْزَ» قرار می‌دهیم:

کلینی سند این حدیث را چنین ذکر می‌کند: «عَنْهُ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ صَنْدَلٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِيَّاكُمْ وَمُشَاوِرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ فِيهِنَّ الضَّعْفَ وَالْوَهْنَ وَالْعَجْزَ» و در سند قبلی و ابتدای آن محمد بن یحیی آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۵۱۷)؛ اما حر عاملی سند را چنین ذکر می‌کند: «وَعَنْهُ عَنِ أَحْمَدَ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ صَنْدَلٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِيَّاكُمْ وَمُشَاوِرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ فِيهِنَّ الضَّعْفَ وَالْوَهْنَ وَالْعَجْزَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۰: ۱۸۲) و بروجردی آن را چنین می‌آورد: از گروهی از اصحاب ما (عده من اصحابنا) از احمد بن ابی‌عبدالله، از ابی‌عبدالله جامورانی... و تصریح دارد که ابتدای حدیث تا احمد معلق است (بروجردی، ۱۳۸۶، ۳۰: ۱۰۴) و برخی جافتاده از ابتدای سند را چنین می‌آورند: کلینی از محمد بن یحیی از ابو‌عبدالله جامورانی... (نجفی، ۱۴۲۳ق، ۶: ۲۲۷؛ ۷: ۹۱؛ ۱۰: ۲۶۱؛ ۱۱: ۳۲۶) که ظاهراً با ملاحظه سند حدیث قبلی است. از سویی دیگر، در خود کافی، در دیگر اسناد جامورانی، پس از روایان ذیل آمده است: «عده من اصحابنا از احمد بن ابی‌عبدالله (پنج بار)؛ عده من اصحابنا از احمد بن محمد بن خالد؛ علی بن محمد بن بندار از احمد بن ابی‌عبدالله؛ علی بن محمد بن بندار از احمد بن محمد بن خالد؛ عده من اصحابنا از سهل بن زیاد (سه بار) سهل بن زیاد؛ محمد بن یحیی از محمد بن احمد؛ محمد بن یحیی». با این تفصیل، معلوم نیست که فاصله کلینی تا جامورانی چند راوی بوده و این که دقیقاً افراد مقدم بر جامورانی در سند حدیث مورد بحث چه کسانی هستند؟ اما جامورانی، ابو‌عبدالله محمد بن احمد رازی است که گفته شده قمی‌ها او را تضعیف کرده‌اند؛ چون در مذهبش ارتفاع (غلو) وجود دارد و احادیثش را در النوادر استثنا کرده‌اند؛ همچنان که ابن‌الولید شیخ ابن‌بابویه روایت‌های او را استثنا کرده است (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱۵: ۲۸۴؛ ۱۶: ۵۵؛ ۲۲: ۲۴۳).

سیره عملی و شیوه رفتار ائمه علیهم السلام نشانگر آن است که برخی بانوان را چون بعضی مردان، صاحب عقل و درایت بسیار به حساب می‌آوردند؛ به‌عنوان نمونه امام صادق علیه‌السلام در تمجید از هاجر، صفت او را چنین بیان می‌فرماید: «زین زیبا و عاقلی بود» (خزعلی، بهزاد پور و آیت‌اللہی، ۱۳۸۰: ۲۰۶).

پس این‌گونه نیست که تمامی زنان ناقص‌العقل معرفی شده باشند. حضرت علی علیه‌السلام در سخنی زنانی که کمال عقل خود را به اثبات رسانیده‌اند، شایسته مشورت دانسته است و می‌فرماید: «ایاک و مشاوره النساء الا من جربت بکمال عقل فإن رأین الی أفن...» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)؛ تو را از مشورت با زنان بر حذر می‌دارم، مگر آن زنانی که به دارا بودن کمال عقل تجربه شده‌اند. پس نتیجه می‌گیریم که احادیث نقصان عقل زنان، فقط در مورد برخی زنان و نه همه آن‌ها بیان شده است (خزعلی، بهزاد پور و آیت‌اللہی: ۲۰۵؛ آیت‌اللہی، ۱۳۷۹: ۸۱).

۴- مشورت با زنان از منظر عهدین

۴-۱. عهد عتیق

مشورت با زنان در عهد عتیق در جریان نجات حضرت موسی به چشم می‌خورد: (۵) آنگاه دختر فرعون به جهت شستشو به نهر فرود آمد و کنیزکانش به کنار نهر گردش می‌کردند و او در میان نیزار صندوقچه دیده کنیزک خود را فرستاد که او را گرفت (۶) و آن را باز پسری دید و اینک طفل می‌گریست و به او ترحم نموده گفت که این یکی از اطفال عبرانیان است (۷) و خواهر آن پسر به دختر فرعون گفت که آیا بروم و از برایت زن شیردهی را از عبریان آواز کنم تا آنکه از برایت طفل را شیر دهد (۸) و دختر فرعون او را گفت که برو پس دخترک رفت و مادر طفل را خواند (۹) و دختر فرعون به او گفت که این طفل را بگیر و او را از برایم شیرده و مزد ترا به تو می‌دهم و آن زن طفل را گرفته و او را شیر می‌داد (سفر خروج، ۲: ۵-۹). در اینجا اثرات مثبت مشورت با افراد متخصص - اعم از زن و مرد - بیان نموده است (همدانی، گلن و مرتن، ۱۳۸۰: ۱۰۴؛ مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۷۷-۱۷۸).

۴-۲. عهد جدید

عهد جدید در مسئله مشورت با زنان ساکت است و هیچ آیه صریحی مربوط به این موضوع ندارد؛ اما می‌توان از آیاتی موضوع مشورت با زنان را استخراج کرد؛ برای مثال، در نامه‌های پولس

از زنان یاد کرده است که در کلیسا در مقام کشیش فعالیت می‌کردند، مثل «و خواهر ما فیبی را که خادمه کلیسای کنکریه هست به شما می‌سپارم» (رومیان، ۱:۱۶) و «و پرسکله و اقله را سلام نمایند که در امر مسیح رفیق من می‌بودند» (رومیان، ۳:۱۶). اگر بتوان این جریان را تأییدی برای مشورت با زنان قلمداد کرد، باید اعلام کرد که آیات عهد جدید به صورت ضمنی مشورت با زنان را پذیرفته است (همدانی، گلن و مرتن، ۱۳۸۰: ۳۳۹؛ مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

۵- ملکه سبأ در عهدین

همان‌طور که داستان سلیمان و ملکه سبأ در قرآن اشاره شده است (توضیحات آن گذشت)، در کتب مقدس هم به آن اشاره شده است: ملکه سبأ در کتاب مقدس به‌عنوان «زنی مشتاق حکمت» معرفی شده است (مظاهری، ۱۳۹۰: ق: ۱۸۲).

۱- ۵. عهد قدیم

(۱) و هنگامی که ملکه سبأ آوازه سلیمان را بخصوص اسم خداوند شنید به قصد امتحان کردنش به رمزا آمد (۲) و با خیل بسیار بزرگی و با شتران بردارند ادویه‌ها و کثرت طلا و سنگ‌های گران‌بها به اورشلیم درآمده به حضور سلیمان آمد و با او درباره هرچه که در دلش می‌بود صحبت کرد (۳) و سلیمان از برایش تمامی مسائلی را بیان کرد که سؤالی از ملک مخفی نماند که برایش بیان نکرده باشد (۴) و ملکه سبأ تمامی حکمت سلیمان را با خانه که بنا کرده بود (۵) و قاعده طعام‌های سفره‌اش و نشستن بندگان و ایستادن خدمت‌گاران و ملبس شدن ایشان به لباس‌ها و ساقیان و نردبان‌هایی که به خانه خداوند بالا کشیده بود چون دید روح در قالبش نماند (کتاب اول ملوک، ۱۰: ۱-۵).

(۹) متبارک باد خداوند خدای تو که از تو راضی شده ترا بر تخت اسرائیل نشانند از آنجایی که خداوند ابداً اسرائیل را دوست می‌دارد ترا به پادشاهی نصب کرده است تا آنکه حکم و عدالت را بجا آوردی (۱۰) و بملک صدویست قنطار طلا و ادویه‌های بسیار بسیار و سنگ‌های گران‌بها داد و بار دیگر مثل ادویه‌هایی که ملکه سبأ به سلیمان ملک داد بزیدتی نیامده بود (۱۱) و هم‌چنین کشتی‌های حیرام که طلا را اوفیر آوردند چوب‌های المگ بسیار بسیار و سنگ‌های گران‌بها از اوفیر آوردند (۱۲) و ملک از چوب‌های المگ عمده‌ها بجهه خانه خداوند و خانه ملک و نیز بریطها و سنطورها برای مغنیان ساخت و مثل این‌ها چوب‌های المگ تا امروز نیامد بلکه دیده

نشد (۱۳) و سلیمان ملک بملکه سبأ تمامی مراد و مطلبش را داد سوای آنچه که سلیمان ملک از راه بزرگی به او بخشید پس برگردیده به ولایت خویش روانه شد او و بندگانش (کتاب اول ملوک، ۱۰: ۹-۱۳؛ همدانی، گلن و مرتن، ۱۳۸۰ق: ۶۵۹-۶۶۰).

۲-۵. عهد جدید

انجیل لوقا نیز چنین به ملکه سبأ اشاره کرده است: «و خواهد برخاست ملکه جنوب در محاکمه با مردم این طبقه و حکم خواهد نمود بر آنها؛ زیرا که از اقصای زمین آمد که حکمت سلیمان را بشنود و اینک بیشتر از سلیمان در این جا است» (انجیل لوقا، ۱۱: ۳۱؛ همدانی، گلن و مرتن، ۱۳۸۰ق: ۱۵۰) داستان ملکه سبأ برای اثبات نقش و حضور فعال زنان در جامعه استدلال شده است و افرادی که صاحب شخصیتی بالغ و رشد کرده‌اند، علاقه‌ای به تسلط و حکم‌فرمایی بر یکدیگر ندارند. در عوض، در پی آن هستند که با توافق و هم‌فکری زندگی خود را اداره نمایند (مظاهری، ۱۳۹۰ق: ۱۸۳).

۶- خلاقیت ذهنی زنان

در آیات کتاب مقدس از خلاقیت ذهنی زن سخن به میان آمده است: (۹) پس به مردش گفت که اینک حال فهمیدم که این مرد مقدس خدا است که همیشه از پیش ما می‌گذرد (۱۰) تمنا این که اوطاق کوچکی به پهلوی دیوار برایش بسازیم و در آنجا برایش بستری و سفره و کرسی و شمعدان بگذاریم و می‌باشد هنگام آمدنش بما در آنجا فرود آید (کتاب دوم پادشاهان، ۴: ۹-۱۰؛ همدانی، گلن و مرتن، ۱۳۸۰ق: ۷۰۳).

کتاب مقدس بدون تردید شوهر را به‌عنوان سر خانواده معرفی کرده است؛ اما این بدان معنا نیست که زن موجودی بی‌اراده باشد. زن کسی نیست که ابتکار شخصی نداشته باشد و هرچه شوهرش بگوید، بی‌چون و چرا بپذیرد (مظاهری، ۱۳۹۰ق: ۱۸۳). این زن خانه‌دار، همان‌طور که مشغول انجام کارهای روزمره بود از خود پرسید: «چگونه می‌توانم برای این مرد خدا مفید باشم؟» و ناگهان فکری که در آن زمان بسیار بدیع و ابتکاری بود، به ذهنش خطور کرد: برای او یک اتاق مهمان آماده می‌کند، نه اتاقی موقتی، مانند یک خیمه و چادر، بلکه بالاخانه‌ای محکم و ثابت و دائمی (همان).

نتیجه‌گیری

مشورت با زنان از مسائلی است که در قرآن کریم (آیاتی به صورت عام: شوری: ۳۸، آل عمران: ۱۵۹ و خاص: بقره: ۲۳۳، طلاق: ۶، قصص: ۱۲ و توبه: ۷۱) و در عهدین (عهد قدیم در جریان نجات حضرت موسی به چشم می‌خورد و در عهد جدید در نامه‌های پولس از زنان) مورد بحث قرار گرفته است. در کلام معصوم نیز مشورت با زن به طور کلی نهی نشده، بلکه دستور داده شده است تا با زنانی که درک صحیحی از مسائل دارند، مشورت شود. امیرالمؤمنین می‌فرماید که با زنانی که کمال عقل را دارا بوده و درک صحیح نسبت به امور دارند، مشورت نمایید. سیره عملی معصومان نیز نشان می‌دهد که آن‌ها بسیاری از زنان را افراد صاحب‌خرد می‌دانستند و چه بسا مقصود از عقل در روایات مذکور عقل ذاتی افراد نبوده است، بلکه عقل تجربی باشد که به واسطه کسب تجارب می‌توان این نقص را برطرف نمود. پس با توجه به مطالب فوق، دانسته می‌شود که مشورت با برخی زنان - که کمال عقل خود را به اثبات رسانیده‌اند -، اشکالی ندارد.



فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- ۱- ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۱۴۲۱ق)، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۲- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
- ۴- ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۵- آیت اللهی، زهرا، (۱۳۷۹)، «آیا عقل ما زنان ناقص است؟»، بازتاب اندیشه، شماره ۱ و ۲.
- ۶- بروجردی، حسین، (۱۳۸۶)، جامع احادیث الشیعه، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
- ۷- بی‌ریا، محمدناصر، (۱۳۷۱)، «مرزها و اصول روابط خانواده در قرآن کریم»، معرفت، شماره سوم.
- ۸- جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله، (۱۳۸۸)، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، قم، نور وحی.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۱)، زن در آئینه جلال و جمال، چاپ دوم، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ۱۰- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین.
- ۱۱- حایری طهرانی، علی، (۱۳۳۸)، مقتنیات الدرر، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۲- حجازی، محمد محمود، (۱۴۱۳ق)، تفسیر الواضح، چاپ دهم، بیروت، دارالجلیل.
- ۱۳- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البتی علیهم‌السلام.
- ۱۴- حسین زاده، علی، (۱۳۹۱)، «تفاوت‌های زن و مرد نقش و کارکرد آن»، معرفت، سال بیست و یکم، شماره ۱۷۴.
- ۱۵- خرماهی، بهاء‌الدین، (۱۳۸۹)، قرآن پژوهی، چاپ چهارم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۶- خزعلی، کبری؛ سیمیندخت بهزاد پور و زهرا آیت‌اللهی، (۱۳۸۰)، زن، عقل، ایمان، مشورت؟!، تهران، سفیر صبح.
- ۱۷- خسروانی، علیرضا، (۱۳۹۰)، تفسیر خسروی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه.
- ۱۸- خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، معجم رجال‌الحديث، بی‌جا، بی‌نا.
- ۱۹- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۵)، پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآنی، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- ۲۰- رکنی یزدی، محمدمهدی، (۱۳۷۹)، آشنایی با علوم قرآنی (رکنی)، تهران، سمت.
- ۲۱- زحیلی، وهبه، (۱۴۱۱ق)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، چاپ دوم، دمشق، دارالفکر.
- ۲۲- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۳۸۶)، مقدمه‌الادب، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- ۲۳- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، (۱۳۷۸)، «درآمدی بر شناخت کتاب مقدس»، پژوهش‌های حقوق و ادیان، شماره دوم.
- ۲۴- _____، (۱۳۹۴)، کتاب مقدس، قم، کتاب طه.
- ۲۵- شیرازی، علی، (۱۳۹۸)، «بررسی مقایسه‌ای جایگاه مشورت در نظریه‌های مردم‌سالاری دینی و دموکراسی مشورتی»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، سال هشتم، شماره سی‌ام.

- ۲۶- صاحب، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتب.
- ۲۷- صاوی، احمد بن محمد، (۱۴۲۷ق)، *حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین*، چاپ چهارم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۲۸- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲۹- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو.
- ۳۰- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، چاپ سوم، تهران، مرتضوی.
- ۳۱- عسکری، حسن بن علی علیه السلام (امام یازدهم شیعیان)، (۱۴۰۹ق)، *التفسیر المنسوب الی الإمام الحسن العسکری علیه السلام*، قم، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- ۳۲- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
- ۳۳- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، *قاموس المحيط*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۳۴- قرآتی، محسن، (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۳۵- قرشی بنابی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۶- _____، (۱۳۷۵)، *تفسیر احسن الحدیث*، چاپ دوم، تهران، بنیاد بعثت (مرکز چاپ و نشر).
- ۳۷- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، (۱۴۲۳ق)، *زبده التفاسیر*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- ۳۸- _____، (بی‌تا)، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه.
- ۳۹- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۰- مجلسی، محمدباقر، (۱۹۸۳م)، *بحار الانوار*، چاپ سوم، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۴۱- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.
- ۴۲- مظاهری، حبیب، (۱۳۹۰)، *شخصیت زن در قرآن و عهدین*، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- ۴۳- مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ق)، *التفسیر الکاشف*، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- ۴۴- _____، (۱۴۲۵ق)، *تفسیر المبین*، چاپ سوم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- ۴۵- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۶- نجفی، هادی، (۱۴۲۳ق)، *موسوعة أحاديث أهل البيت (عليهم السلام)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۴۷- همدانی، فاضل: ویلیام گلن و هنری مرتن، (۱۳۸۰)، *کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید*، تهران، اساطیر.

REFERENCES

* The Holy Qur'an

* Nahj al-Balagha

1. Ibn Saydeh, Ali bin Ismail, (1421 AH), Al-Muhkam wa al-Muhit al-Azam, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
2. Ibn Faris, Ahmad, (1404 A.H.), Mu'jam al-Maqayis al-Lughah, Qom, Maktab al-'Ilam al-Islami.
3. Ibn-Manzoor, Muhammad bin Mukarram, (1414 AH), Lisan al-Arab, 3rd edition, Beirut, Dar al-Sadir.
4. Azhari, Muhammad bin Ahmad, (1421 AH), Tahdhib al-Lughah, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
5. Ayatollahi, Zahra, (1379), "Aya aqle ma Zanan Naqis ast?" (Is our women's intellect incomplete?), Reflection of Thought, No. 1 and 2.
6. Boroujerdi, Hussein, (1386), Jami' Ahadith al-Shia, Tehran, Farhang Sabz Publications.
7. Bi-Riya, Mohammad Naser, (1371), "Marzha va Osul Ravabet Khanevade dar Islam" (Boundaries and principles of family relations in the Holy Quran), Marifat, No. 3.
8. Jazayeri, Nematullah bin Abdullah, (1388), Uqoud al-AI-Marjan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Nur Wahy.
9. Javadi Amoli, Abdullah, (1371), A woman in the mirror of Jalal and Jamal, 2nd edition, [s.l.], Raja Cultural Publishing Center.
10. Jawhari, Ismail bin Hammad, (1376), Al-Sihah: Taj al-Lughah wa Sihah al-Arabiyyah, Beirut, Dar al-Ilm li al-Malayin.
11. Ha'iri Tehrani, Ali, (1338), Muqtanayat al-Durar, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
12. Hijazi, Muhammad Mahmud, (1413 AH), Tafsir al-Wadhih, 10th edition, Beirut, Dar al-Jeel.
13. Hurr Amili, Muhammad bin Hasan, (1409 AH), Wasa'il al-Shi'a, Qom, Aal al-Bayt Institute.
14. Huosseinzadeh, Ali, (2019), "Tafavothaye Zan va Mard Naqsh va Karkarde an" (Differences between men and women in their roles and functions), Marifat, year 21, No. 174.
15. Khorramshahi, Baha'uddin, (2008), Qur'anic research, 4th edition, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company.
16. Khaz'ali, Kobra; Simindokht Behzadpour and Zahra Ayatollahi, (1380), Woman, intellect, faith, consultation?!, Tehran, Safir Sobh.
17. Khosrovani, Alireza, (1390), Tafsir Khosravi, Tehran, Islamiyah bookstore.
18. Khoi, Seyyed Abul Qasim, (1413 AH), Mujam Rijal al-Hadith, [s.l.], [s.n.].
19. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1385), Quranic Questions and Answers, Qom, Researches of Tafsir and Sciences of the Quran.
20. Rokni Yazdi, Mohammad Mahdi, (1379), Familiarity with Quranic Sciences (Rokni), Tehran, Samt.
21. Zuhaili, Wahba, (1411 AH), al-Tafsir al-Munir fi al-Aqidah wa al-Shariah wa al-Manhaj, 2nd edition, Damascus, Dar al-Fikr.
22. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, (2008), Muqaddama al-Adab, Tehran, Institute of Islamic Studies, University of Tehran.
23. Soleimani Ardestani, Abd al-Rahim, (1378), "An introduction to the knowledge of the Holy Bible", researches on laws and religions, No. 2.

24. 1394) _____), Holy Book, Qom, Taha Book.
25. Shirazi, Ali, (1398), "A comparative study of the place of consultation in the theories of religious democracy and deliberative democracy", Islamic Revolution Research Quarterly, Scientific Association of the Islamic Revolution of Iran, Year 8, No. 30.
26. Sahib, Ismail bin Abbad, (1414 AH), Al-Muhait fi al-Lughah, Beirut, Alam al-Kitab.
27. Sawi, Ahmad bin Muhammad, (1427 AH), Hashiya al-Sawi ala Tafsir al-Jalalain, 4th edition, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
28. Tabatabaei, Muhammad Hussein, (1390), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 2nd edition, Beirut, Al-A'lami Press Institute.
29. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372), Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, 3rd edition, Tehran, Naser Khosro.
30. Turaihi, Fakhruddin bin Muhammad, (1375), Majma' al-Baharin, 3rd edition, Tehran, Mortazavi.
31. Askari, Hasan bin Ali (A.S) (the 11th Imam of the Shiites), (1409 AH), Al-Tafsir al-Mansub ila al-Imam al-Hasan al-Askari, (A.S), Qom, Imam Al-Mahdi School.
32. Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1409 AH), Kitab al-Ain, 2nd edition, Qom, Hijrat publishing house.
33. Firouzabadi, Muhammad bin Yaqub, (1415 AH), Qamous Al-Muhit, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyah.
34. Qiraati, Mohsen, (1388), Tafsir Noor, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
35. Qurashi Bonabi, Seyyed Ali Akbar, (1371), Qamous Qur'an, 6th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
36. 1375) _____), Tafsir Ahsan al-Hadith, 2nd edition, Tehran, Bi'ath Foundation (Printing and Publishing Center).
37. Kashani, Fathullah bin Shukrullah, (14223 AH), Zubdah al-Tafasir, Qom, Al-Ma'arif al-Islamiya Institute.
38. _____, [n.d.], Manhaj al-Sadighin fi Ilzam al-Mukhalifin, Tehran, Islamic Bookstore.
39. Kulaini, Muhammad bin Yaqub, (1407 AH), Al-Kafi, 4th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
40. Majlisi, Muhammad Baqir, (1983), Bihar al-Anwar, 3rd edition, research: Muhammad Baqer Behbudi, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
41. Murtadha Zubaidi, Muhammad bin Muhammad, (1414 AH), Taj al-Arous min Jawahir al-Qamous, Beirut, Dar al-Fikr.
42. Mazahiri, Habib, (1390), The character of women in the Qur'an and the Two Testaments, Qom, Bo'stan Kitab Institute.
43. Mughniyah, Muhammad Jawad, (1424 AH), Tafsir al-Kashif, Qom, Dar al-Kitab al-Islami.
44. 1425) _____ AH), Tafsir al-Mubin, 3rd edition, Qom, Dar al-Kitab al-Islami.
45. Makarim Shirazi, Nasir, (1371), Tafsir Nomooneh, 10th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
46. Najafi, Hadi, (1423 AH), Mawsouah Ahadith Ahl al-Bayt (peace be upon them), Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi for printing and publishing and distributing.
47. Hamedani, Fazel; William Glenn and Henry Merton, (1380), The Bible: the Old Testament and the New Testament, Tehran, Asatir.